

## خیانت به امید ریشه یک اعتراض!



### پیوسته به گذشته بخش یکصدویازدهم :

نه میخوام نصیحت اخلاقی کنم و همچنان قصد ندارم از این واقعیت روشن چشم بپوشانم که یک سیستم شبه لبرال مافیائی چون حصار نامرئی و لی معلوم از سالها پیش بر دور ملت سلحشوری که در جغرافیای بنام افغانستان زندگی میکنند کشیده اند و هر روز تنگ تر میشود و تسخیر ناپذیرتر، و امروز چنان شده است که بوسیله گماشته شده گان شناخته شده ی به دقت نگهبانی میشود و همین نگهبانان شبه بومی تنها رابطه ای از شهروندان اسیر در این حلقه را تأمین میکنند . در دوران کنونی و در مسیر حیات سیاسی و تاریخی آخرین کشورواین قوم ، ما را متوجه میسازند که تاریخ خود و دیگر جوامع را چگونه باید خواند ؟ و باید به عنوان یک ملت باستانی و ازادی خواه بیاموزیم که با چه شیوه ها و اسلوب ها جوانان سلحشور ما را به مسلخ معامله میبرند ؟ و چگونه باید با تلسکوب ایمان و وجدان شیوه های به اعتیاد کشاندن نسل جوان ما را دریابیم و دریابیم که چگونه برادر، دشمن برادر شده است ؟



در این دورباطل و در این دایره معیوب زندگی ، که اعتیاد بر زندگی روزمره بر همه ساکنان جغرافیای افغانستان حاکم است ، زندگی روزمره و تکراری که انسانها همچون جانوران بخورند و بخوابند ، کارکنند برای اینکه بخورند و بخورند تا کارکنند ، کارکنند برای فراغت و فراغت برای کار – تولید برای مصرف و مصرف برای تولید ! وسخت جالب و در عین حال درد ناک است که روشنفکران جامعه افغانی این جانشینان برحق انبیأ و پیامبران الوالعزم الهی چگونه برای رسیدن به یک مقام نان آورشبه دولتی ، حضور در یک هیأت دالری به ذلت می افتند و به جائی آن شعار

مقدس خدمت به مردم **خدا حافظ مردم!** میگویند و بروی امید و آرمان مردم شمشیر میکشند. این چنین است که روشنفکران این نشانه های خدا بجائی اینکه چراغ راه ملتها باشند همدست جلادانی میگردند که همچون شکاریان ماهر **«عصیان مقدس!!»** یک ملت شوریده را شکار می کنند و جوهری ازچنین **«عصیان مقدس»** را که توشه راه ملتها نامیده میشوند در پای یک پایه یخچال، یک توته زمین یک قصر و یک ویا چند بورس تحصیلی برای اقارب و خویشاوندان شان ذبح شرعی کنند.



شگفت انگیز است حالا که کار این پروژه اعتیاد بر مصرف به جایی رسیده است تا برخی از مؤمن ترین کتله های جامعه که مراکز مقدس جامعه و ملت مانرا تسخیر نموده بودند و همیشه شعار عدالت انسانی را سرمیدادند و از اسلام راستین یاد میکردند و بسیاری از نیروهای متعلق به نسلی از چنین روشنفکران مافیائی با یدک کشیدن سوابق مبارزاتی شان شعار تحقق جامعه توحیدی را سرمیدادند چنان دلیل شدند که آن همه سوابق درخشان مبارزه و قیام علیه استبداد را بصورت آگاهانه و پاهم در نا آگاهی قربانی راه مملو از توطئه های رنگا رنگ دشمنان شناخته شده میهن ساختند. برگردیم به اصل مطلبی که به عنوان یک واقیعت تلخ تاریخ سیاسی و در این مقطع زمانی زبانزد خاص و عام گردیده است. قهرمانان اصلی این قسمت داستان کسانی نیستند به جز حجت الاسلام والمسلمین آقای محمد محقق و آقای محمد اشرف غنی که از پیشگامان دست بوسی جوانان رشید قوم شریف هزاره محسوب میشود و سخنان ناب وی که گاهی از زبان مبارکش بیرون می آید برای چندین شب و روز خورجین غذایی ساحران و جوک گویان **«بازار عکاظ»** معاصر را تکافومیکند!! چنانچه دریکی از روزهای بهاری با چنین تشریفات اشرفی جوانان زحمتکش هزاره را با شیوه ای مسخره آمیز در یک فضای شبه روحانی محضر عام اینگونه میپذیرد.

<https://www.youtube.com/watch?v=flx2RujA9Zs>

اکنون روشن شد که چرا حضرت آقای محقق وقتی دست اشرا بسوی جوانانی که بخاطر بوسیدن دست مبارک آقای محقق صف کشیده بودند با چه می اندیشید؟ این دست بوسی درواقیعت اشباع غریزه شهرت و قدرت بوده که از دیر بدینسو در کالبد تحقیر شده آقای محقق جا گرفته بود و قلب وی را آزار میداد. البته آقای محقق تنها به مریضی تشویق جوانان و نوجوانان به دست بوسی معتاد نبوده بلکه باری در اوج انتخابات "ریا" ست جمهوری حریف اش محمد اشرف غنی رئیس را به الفاظ بسیار رکیک یاد نموده و وی را با استهزا و تمسخر روده قاق خوانده بود.

<https://www.youtube.com/watch?v=6wdNllsoj7s>

این رویه و دیگر عادات تحقیر آمیز آقای محقق سبب گردید که وی برای اشباع غرائز قدرت خواهی از مسأله پروژه برق موسوم به TUTAP که قرارداد انتقال آن با یک شرکت آلمانی قبلاً به امضای رسیده است استفاده نمایند و لشکری از جوانانی را که میتوانند در راه اعمار کشور و تحقق انکشاف و عدالت متوازن برای همه ساکنان جغرافیای موسوم به افغانستان مفید واقع شوند در راه اغراض و منافع شخصی و گروهی اش مورد استفاده قرار می دهند . شاید بهتر باشد توجه حضرت محقق به وعده های معطوف سازیم که جناب شان وقتی نیاز به اخذ رأی مردم شریف خوست ، پکتیا و لوگر داده بودند و به چشم سر دیدند و احساس نمودند که مردمان آن خیطه به دلیل سیاست های غلط حکمرانان وقت و صد ها دلیل دیگر از ابتدائی ترین حقوق و پیشرفت های اقتصادی و فرهنگی محروم شده اند و شما به عنوان کسی که در سرزمین موسوم به افغانستان به دنیا آمده بودید و هوای این سرزمین را یکجا با برادران دیگر تان که در جنوب و جنوب شرق افغانستان و در خانه های گلین می زیستند همچنان به عنوان عضومهم و از رهبران ستاد انتخاباتی اصلاحات و هم گرائی برهبری عبدالله ، عبدالله که مکلف به خدمت برای عموم شهروندان افغانستان و انجام اصلاحات برای همه باشندگان بودید به مردمان آن دیار وعده دادید اما با دریغ و تأسف که آن وعده ها نیز از جنس وعده های سر خرمن بود . یقین کامل دارم که تا هنوز هم آن وعده های پیشرفت و ترقی عمومی که بنام پیشرفت متوازن خوانده میشوند فراموش نه نموده اید چه شد که با سپری شدن زمان اندکی از دولت وحدت ملی افغانستان آن همه وعده ها را به باد فراموشی سپردید و به یک جنگجوی خشونت طلب تبدیل شدید . این سوال ها بدون شک در ذهن عامی ترین افراد این جامعه مطرح است و باز هم چه شد که ناگهان عوض شدید و زبان دفاع از یک قوم مظلوم اما یکپارچه را باز کردید ؟ و به جای طرح یک برنامه عادلانه و برخاسته از تفکر بومی ، جوانان رشیدی که فرزندان این مرزوبوم شناخته میشوند به مثابه کتله های از مردم در راه غرائز شخصی تان مورد استفاده قرار دادید ؟ .

## **رئیس غنی بنیانگذار هسته خیانت به امید :**

<https://www.youtube.com/watch?v=FPS91UoHi1U>

ش ی پ از این از عنصری یاد نمودیم که در آشفته بازاری موسوم به افغانستان آب را گل آلود نموده و ماهی صید کردند و گفتیم که تا هوای میهن بهاری شد از خواب زمستانی عاقبت گویان برخاستند و صفی از جوانان مخلص را بستند و همه را همچون گردانهای از مقاومت برای رسیدن به غرائز فردی قدرت و ثروت رجال معتاد و شعار بدستی توجیه نمودند اما میدانیم و شما نیز بحیث وارث نیمی از میراث حکومت وحدت ملی بزرگترین مسئولیتی را دارا اید به این حقیقت پی برده اید . اما نکته ای را که می خواهم یاد آوری کنم شما به جایی اینکه ریشه های حادثه ناگوار لندن را نشانه گیرید به بیشه ها پرداختید . از گفتار شما که

<https://www.youtube.com/watch?v=peyKLYxIBd4>

در سخنرانی آن روز بر زبان آوردید از همان اول معلوم بود شما آدم ناتوانی هستید و نه میتوانید در معرکه سیاست به خوبی بدرخشید . چرا زبان تان لال شد که نتوانستید در پاسخ صدراعظم بریتانیای کبیر بگویند که فساد جامعه ما ریشه در تاریخ شما دارد آنگاه که لشکر غارتگر انگلیس که در جامعه کمپنی هند شرقی برنیم قاره هند منجمله افغانستان حمله نمودند آلماس گرانبهای معروف به آلماس کوه نور را باخود آوردند و به غارت بردند که تا هنوز هم جز گنجینه های ملکه انگلیس به حساب می رود بدون

شک که اگر به هر دلیلی ما نتوانستیم درباره سرنوشت آن از شما پرسیم هر آئینه که فرزندان سرزمین ما از شما و فرزندان شما خواهند پرسید که بالاخره داستان آن غارتگری به کجا خاتمه یافته است؟



سوال اساسی ای که وجود دارد این است که چگونه شد یک روز قبل از انعقاد کنفرانس ضد فساد با آن ادبیات توهین آمیز و در محضراکابر بزرگ سیاست انگلستان ملتی را به اهانت میکشند و فردای آن باز هم برای اد ا مه دادن به همان رویه اهانت آمیز کسانی را از جنس خود ما و از فرزندان همان سرزمینی که شما نیز در همان سرزمین به دنیا آمده اید مؤظف میسازند تا شما را به حیث رئیس حکومت وحدت ملی به استهزا تاریخی مواجه سازند . .

